

به نام خدا

بررسی قراردادهای بیع متقابل در

صنعت نفت ایران

مؤلف:

منوچهر زحمتکس

با دیباچه‌ای از دکتر جمشید حسن‌پور

انتشارات کدیور

سرشناسه : زحمتکش، منوچهر، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور : بررسی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران / مولف منوچهر زحمتکش.
مشخصات نشر : رشت: کدیور، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۷۰-۳۱-۹
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- قراردادها
رده بندی کنگره : HD ۹۵۷۶/الف۱۹۲:۳ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی : ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۱۹۱۲

عنوان: بررسی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران

مؤلف: منوچهر زحمتکش

ناشر: انتشارات کدیور

چاپخانه: سورنا

طرح جلد: مروارید دروی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۷۰-۳۱-۹

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به نویسنده می‌باشد.

تماس با ناشر: ۰۹۱۲۴۲۶۲۷۱۴

www.parsi-book.ir

دیباچه

خروج از وابستگی و دستیابی به استقلال اقتصادی از اهداف مهم شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود و این خواسته ملی جز با استفاده از همه ظرفیت‌های مادی، منابع انسانی و برنامه‌ریزی عالمانه امکان‌پذیر نمی‌باشد.

نفت از منابع خدادادی است که تاسفانه تاکنون به دلیل وابستگی اقتصاد کشور به آن، مانع از بهره‌گیری از سایر منابع و ظرفیت‌های کشور شده اما در صورت استفاده حساب شده از آن، می‌تواند موتور محرکه پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور باشد. از این رو شیوه‌های بهره‌گیری از نفت چه در استخراج و تولید و چه تبدیل و فروش حائز اهمیت است و باید مدبرانه عمل می‌باشد.

از منظر پاسداری از منافع ملی شرایط فروش و قراردادهای منعقدۀ نفتی، در موقعیت تحریم‌های بسیار شدید اقتصادی موجود در کانون توجه مسئولان کشور است.

شیوه قرارداد بیع متقابل یا بای‌بک در صنعت نفت یک از شیوه‌های تولید و فروش نفت است که در آن سرمایه‌گذار خارجی در کشور سرمایه‌پذیر، فعالیت اقتصادی را انجام می‌دهد و از راه بهره‌برداری از تولید صورت گرفته در مدت معین قرارداد، هزینه و سود متعلقه را دریافت و در پایان مدت قرارداد سایت ایجاد شده را به کشور خریدار تحویل می‌دهد.

در کتاب پیش رو، قرارداد بیع متقابل در صنعت نفت از جهت تاریخچه، ابعاد فنی، ماهیت فقهی و جوانب حقوقی بیع متقابل به تفصیل مورد قرار گرفته است.

در شرایطی که تحریم‌های ظالمانه و غیر قانونی علیه مردم استقلال‌طلب و آزادی‌خواه ایران در حال اجرا است تا از حقوق مسلم خود چشم‌پوشند، توجه به سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری با عنوان "سیاست‌های اقتصاد مقاومتی" راه برون‌رفت از وضعیت دشوار کنونی است که بیع

متقابل در صنعت نفت را می‌توان پس از بهره‌گیری از تجارب گذشته و انجام بهبودها و اصلاحات در شرایط قرارداد به عنوان یکی از روش‌های اقتصاد مقاومتی ارزیابی نمود.

دکتر جمشید جعفر پور

www.ketab.ir

مقدمه

تجارت جهانی در سال ۱۹۱۴ در سطح وسیع آن، برای نخستین بار پس از جنگ جهانی اول رواج یافت. کشور آلمان در دوره جمهوری وایمار و در شرایطی که پول کشور در اثر بی ثباتی بیش از حد نمی توانست وسیله مبادلات بین المللی قرار گیرد، از همین رو برای انجام تجارت خارجی به این روش متوسل گردید. به این ترتیب آلمان با استفاده از این روش توانست اقتصاد خسارت دیده از جنگ خود را جبران نماید. سایر کشورهای اروپایی نیز سیستم تهاتری و ترتیبات تسویه بین المللی را به عنوان وسیله ای جهت کمک به بهبود اوضاع اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفتند.

سابقه بیع متقابل در قراردادهای نفتی در نیم قرن اخیر جدید را نیز باید در نیم قرن پیش و در کشورهای اروپای شرقی جستجو نمود. بیع متقابل چهار بوب قراردادی است که به موجب آن، شرکت امضاء کننده قرارداد متعهد می شود نسبت به توسعه حوزه هیدروکربونی مورد قرارداد در ازای برداشت از محصولات و فرآورده های نفتی مربوطه معادل اصل مبلغ سرمایه گذاری خود بر اساس نرخ برگشت سود مورد توافق طرفین، اقدام کند. کشورهای که با سرمایه اقتصادی نامساعد از قبیل عدم توازن تجاری در معاملات نفتی با غرب، افزایش بدهی های خارجی و نیاز به واردات نفتی و عدم توفیق در افزایش صادرات روبرو بودند، مجبور شدند واردات خود را به اقماری که در سبد نفتی دارای اولویت بودند یا اقلام مولد صادرات بوده محدود کنند. بنابراین اکثر این کشورها برای تامین بقیه اقلام وارداتی، سازمان های تجارت خارجی خود را به معاملات بیع متقابل فراخواندند. مشابه فشارهای اقتصادی که موجب روی آوردن کشورهای اروپای شرقی به تجارت متقابل در قراردادهای نفتی گردید، در مورد کشورهای در حال توسعه نیز صادق بوده است، زیرا این کشورها غالباً با محدودیت منابع ارزی برای مدرنیزه کردن صنایع نفتی خود مواجه بوده اند. امروز بیش از ۹۴ کشور

جهان با اهداف متفاوت از جمله افزایش صادرات، کسب بازارهای جدید و دسترسی به تکنولوژی پیشرفته، حداقل بخشی از تجارت نفتی خود را در قالب بیع متقابل انجام می‌دهند.

ایران که جزء برترین دارندگان ذخایر نفت و گاز در جهان است، بی‌شک برای توسعه فعالیت‌های بخش نفت، بی‌نیاز از سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی نفتی نیست. همکاری و تعامل شرکت‌های ملی نفت با شرکت‌های بین‌المللی برای دریافت تجارب جهانی، یک امر اجتناب ناپذیر است. آن چه حائز اهمیت است، نوع و شیوه همکاری بین شرکت‌های ملی و تجاری بین‌المللی است. از این رو در راستای تحقق برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و به استناد بند (ی) تبصره ۱۲ برنامه مذکور، اکثریت وزرای عضو کمیسیون اقتصادی هیئت دولت در جلسه مورخه ۱۳۶۹/۳/۲۰ ش.س.ت. این نام معاملات متقابل را تصویب نمودند. به همین جهت اولین قراردادهای بیع متقابل نفتی پس از تصویب آئین نامه مذکور، توسط کارشناسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اداره تهران و امور صادراتی وارد رسیدگی قرار گرفت. شرکت ملی نفت ایران که به عنوان یک شرکت عملیاتی زیر نظر وزارت نفت، توسعه و بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز را به عهده دارد. اولین قرارداد بیع متقابل را در سال ۱۳۷۱ ش.س.ت. با شرکت امریکایی کونوکو^۱ منعقد کرد که با آغاز تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران به مرحله ابراء نرسید قرارداد بعدی در سال ۱۳۷۳ بین شرکت توتال^۲ و شرکت ملی نفت برای توسعه میدان سرری منعقد شد. بعد از آن تاریخ نیز در جهت توسعه و پیشرفت میادین نفت و گاز قراردادهای زیادی با دولت ایران در شرکت‌های مختلفی منعقد گردید.

در بسیاری از کشورهای جهان، از قراردادهای مختلف مشابهی در تولید انرژی استفاده می‌شود، که اصول کلی حاکم بر آنها یکسان است و این اصول درباره قراردادهای بیع متقابل نیز مصداق دارد. گرچه اصول کلی قراردادهای بیع متقابل نیز یکسان است، هر یک از آنها می‌تواند با توجه به جزئیات و محتوای قرارداد از دیگری متمایز شود، در نتیجه فهم متقابل و مذاکرات متعدد طرفین قرارداد در طول دوران سرمایه‌گذارهای اخیر در صنعت نفت، قراردادهای بیع متقابل نیز تکمیل‌تر گردیده ولی در عین حال، هنوز چالش‌هایی برای طرفین قرارداد وجود دارند، که می‌تواند به عنوان ریسک در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال، شرکت بین‌المللی سرمایه‌گذار می‌تواند به صورت بالقوه در معرض ریسک قیمتی قرار گیرد این شرکت گرچه از افزایش شدید قیمت نفت بهرمانی نمی‌برد،

اما در صورت سقوط قیمت نفت به زیر قیمت مفروض و توافق شده زیان می‌بیند. از آنجا که مقادیر هزینه‌های بانکی، جبران خدمات و باز پرداخت اصل سرمایه طبق یک جدول زمان بندی مشخص پرداخت می‌شود، در صورتی که قیمت‌ها به سطح خیلی پایینی کاهش یابند بخشی از این پرداخت‌ها به زمان دورتر موکول می‌شود. در چنین وضعیتی، سرمایه‌گذار بین‌المللی به دلیل دریافت دیر هنگام هزینه، ضرر زیادی را متحمل می‌شود، که در صورت بروز چنین وضعیتی، نرخ بازده سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار خارجی کاهش می‌یابد، در حالی که در وضعیت کلی، نرخ بازده طرح برای شرکت ملی نفت ایران تغییر چندانی ندارد. به همین جهت شرکت‌های بین‌المللی نفتی رغبت زیادی برای قراردادهای بیع متقابل نفتی با ایران نشان نداده‌اند، چرا که این قراردادها سبب شده به شرکت‌های بین‌المللی نفتی وظیفه یک پیمانکار را به عهده بگیرند، مطابق با شرایط قرارداد پس از توسعه ایران و شروع تولید پروژه به طور کامل به شرکت ملی نفت ایران تحویل می‌شود، در چنین وضعیت منافعی مادی شرکت بین‌المللی نفتی در سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت در مخزن با محدودیت مواجه می‌شوند. البته در چنین شرایطی، تولید بهینه و حداکثر سازی ضریب بازافت مخزن در بلند مدت موزع است و تعیین کننده در غیاب پیمان کار خواهد بود که می‌بایستی به آن توجه جدی شود، ضمن آن که در بلند مدت و یا حتی در طی مدت پیمان نیز پیمانکار قادر نیست ذخیره نفتی میدان مورد سرانه را در حساب ذخایر خود منظور کند.

شایان ذکر است که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ ه.ش اکثر قراردادهای نفتی با یک روش از پیش تعیین شده، یعنی بیع متقابل، امضاء شد و به یکباره مجلس شورای اسلامی انعقاد قرارداد نفتی با این روش را به دلیل عدم صیانت از منابع نفتی با توجیه برداشت چهارساله برای رسیدن به سود و درآمدهای هزینه شده ممنوع کرد. آن تاریخ به بعد هیچ قرارداد نفتی در آن شکل و محتوای بیع متقابل امضاء نشد و مسئولان وزارت نفت، مدعیان نفتی را تحت شرایط جدید به سرمایه‌گذاران واگذار کردند و بالاخره بیع متقابل که جزء لاینفک قراردادهای نفتی بود، از بخش قراردادی وزارتخانه حذف گردید. تا اواخر دولت دهم جمهوری اسلامی ایران که مجدداً مصوب گردید روش قراردادی بیع متقابل به قراردادهای نفتی بازگردد آن هم با رنگ و بوی جدید. به نحوی که در تقابل با شرکت‌های نفتی خارجی که قراردادهای بیع متقابل را همواره با ابهامات و پیچیدگی‌های فراوانی رو به رو نموده بودند، بتواند فضای مناسب قرار دادی را برای طرفین ایجاد کند. (شرکت‌های نفتی بین‌المللی معتقدند به دلیل منحصر به فرد بودن استفاده از

این نوع قرارداد در توسعه میادین نفت و گاز و فقدان سازوکارهای مشخص قابل پیش بینی در صورت بروز موارد خاص، ریسک استفاده از این نوع قراردادها در ابعاد قابل ملاحظه‌یی بالاتر از سایر قراردادهای شناخته شده و مورد استفاده در سطح بین‌المللی است) باور شرکت‌های بین‌المللی این است که به سختی می‌توان برای سهام‌داران توجیه کرد میلیاردها دلار تحت شرایط مبهم هزینه شود و سپس میدان تحویل داده شده و شرکت کنار بکشد، از سوی دیگر منتقدان داخلی بر اساس ابهامات موجود در ساختار قراردادهای مذکور معتقدند منافع ملی در انعقاد این قراردادها مدنظر قرار نمی‌گیرد و نیز درباره انتقال تکنولوژی، تضمین‌های موجود برای تداوم افزایش تولید از میدان، پس از پایان تسویه اصل و فرع سرمایه‌گذاری شرکت خارجی و نرخ بازگشت سود مورد نظر در قراردادها، انعقاد این عملیات متوجه وزارت نفت است به نحوی که تا پایان سال ۱۳۸۳ ه.ش در حدود ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت از محل قراردادهای بیع متقابل منعقد شد. (با روی کار آمدن جلد ۶ هفتاد و یکم در نخستین ماه‌های سال ۱۳۸۳ ه.ش، بحث قراردادهای نفتی به یکی از مهمترین محورهای چالش مجلس با دولت آقای خاتمی تبدیل شد. نمایندگان مجلس جدید به ویژه اعضای کمیسیون انرژی مجلس معتقد بودند که قراردادهای بیع متقابل منافع ملی را در بسیاری از موارد نقض کرده است و در برخی از قراردادهای منعقد شده، طرف خارجی به دلیل ناوارد بودنش به مخازن خسارت وارد نموده است و همچنین قوانین موجود برای این نوع قراردادها ایرادهای مختلفی دارد، یکی از ایرادات بزرگ این است که هزینه تمام شده این قراردادها برای کشور زیاد است، دومین ایراد این است که استخراج نفت توسط پیمانکاران انجام می‌شود و لذا نقش دولت در انجام این کار بسیار کم است. در حالی که ما باید خدمت تولید را در دست بگیریم و نفت را خودمان بازاریابی کرده و به فروش برسانیم و سپس هزینه استخراج را با پول به پیمانکاران بدهیم، نه اینکه در عوض استخراج، نفت به پیمانکاران بدهیم تا به هر قیمتی که می‌خواهند بفروشند).

البته مقامات وزارت نفت هم به لزوم تغییر در چارچوب قراردادهای بیع متقابل پی برده‌اند، در اوایل سال ۱۳۹۱ شمسی، روزنامه فایننشال تایمز از برخی تلاش‌های ایران برای تغییر چارچوب قراردادهای صنعت نفت با هدف جذاب تر کردن پروژه‌های نفتی برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی خبر داد، این نشریه به نقل از معاون وزیر نفت ایران، اعلام کرده بود یکی از اقدامات این وزارتخانه، اصلاح شیوه امضای قراردادهای بیع متقابل است تا زمینه برای افزایش مشارکت

شرکت‌های خارجی در این بخش فراهم شود، دیگر اصلاحات مدنظر وزارت نفت فراهم کردن شرایط امضای قراردادهای ۲۵ ساله با شرکت‌های نفتی بین‌المللی بر اساس نرخ بازدهی است که در ابتدای قرارداد تعیین می‌شود.

از آن جایی که دیدگاه‌های مختلفی به نفع و یا بر ضد قراردادهای بیع متقابل وجود دارد، در کتاب حاضر قصد آن داریم که قراردادهای بیع متقابل نفتی را مورد بررسی قرار دهیم. از یک منظر وجود انگیزه‌های کافی برای سرمایه‌گذاری خارجی و ریسک عملیاتی کم این اعتقاد را به وجود آورده است که شیوه بیع متقابل روش جذابی است.

از منظر مالفان نیز این نوع از قراردادها برای طرف ایرانی شرایط بسیار غیر عادلانه و برای پیمان کار سودناک است. نهایت کافی و بطور عمد، برای شرکت‌های تجاری نفتی می‌دانند که امید است در این کتاب با توضیحی ابرازی تمامی موارد مذکور مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهاد‌های مناسبی نیز در آن ارائه گردد.

www.ketaboo.ir